

# زیارت نیابتی با طعم عشق و اخلاص

روایتی از زیارت کارگران مشهدی به نیابت از همه کارگران ایران به بهانه روزی که به نامشان است

«تشرّف کارگران مشهدی به حرم مطهر رضوی» به نیابت از همه ایران، همین خبر کوتاه از بین الطوین بیدار نگاهم داشت تا آفتاب بالا آمد و صبح شروع شد؛ یک صبح اردیبهشتی به نسبت خنک که از حسب اتفاق چهارشنبه و روز زیارتی حضرت است. بهار آدامه دارد. باران و گل و نسیم و.... اردیبهشت مشهد تماشایی ترین بهار ایران است. به این شک ندارم. حالا فکر کن در مسیر رسیدن به حرم، هر روز چقدر دل جوانه می زند و اشک تابشت چشم هامی جوشد و به زمزمه کردن یک عبارت خاص. «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْ عَلِیِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى الإمام الثَّقَنِی وَ خَجَّتِک عَلَی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الْفَرَى....» پرتعدادی آدم ها مقابل ورودی ها با پرده های قالیچه ای و تابلو بزرگ اذن ورود ربطی به صبح و شام ندارد، به طلوع و غروب خورشید هم و.... اصلا به هیچ مناسبتی مربوط نمی شود. اینجا همیشه همین اندازه و همین قدر ترافیک دل است.



گزارش روز

عصومه قربانی

## زیارت به نیابت

مقصد، ورودی باب الجواد<sup>(ع)</sup> است و من چند صحن دورترم. ماشین های زائربر کار را راحت می کنند. دعوت خادم بلندقدی را که چوب پری بزرگ به دست راستش گرفته است، رد نمی کنم و سوار می شوم. روی یکی از صندلی ها نشسته ام کنار دست دختر بچه شش هفت ساله. عبارت دختر به مادرش همه را می خنداند. امام رضا<sup>(ع)</sup> چقدر بغل بزرگ است! راست می گوید دخترک. چرا به ذهن من نرسیده بود؟ چه آغوش بزرگی دارد آقا برای شنیدن این همه حرف، بغض، دل تنگی، گله و.... خنده از ته دل همراهان از نگرانی هایم کم می کند. اینکه به وقت و موقع برسم یا نرسم، مهم نیست. دستکم تا وقتی که اینجا می، حفظ را می برم. اردیبهشت حرم آقا با صحن های بزرگ و مسحورکننده است و نسیمی که از هر طرف می وزد، حالم را خوب می کند. چشم برهم زدن رسیدنم به ورودی مد نظر. پیاده شده ام. نیازی به پرسیدن هیچ نشان و آدرسی

## کارگران معدن چشم به راهتان هستند

وقت زمزمه و دعایشان دورتر می ایستم. یادم از جنوب می افتد. تب بندر که دل همه را داغ انداخته و داغش تازه است. حتم دارم خیلی از آدم هایی که آتش به جان زندگی هایشان افتاد و سوخت و سوزاندن مان، قصد داشتند این ایام را در مشهد باشند و حتی برنامه سفرشان را چیده بودند مشهد، زیارت به وقت میلاد علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>. با یادآوری این حرف ها داغ روی داغ می آید و اشک را تا پشت چشم هایم می کشاند. تازه می فهمم برخی هایشان زیارت اولی بوده اند. برمی گردم سمت حرم. ته دلم می جوشد. لحتم حالت طلبکارانه ای دارد. مثل خیلی وقت های دیگر می گویم: دیدار زیارت اولی ها مانند به قیامت ها! برای آقا خط و نشان هم می کشم. مابرای میهمانی هایمان آداب داریم. هر دیدی یا زیددی دارد. کارگران معدن چشم به راهتان هستند آقا.... صدای مداح من را به خودم می آورد. نگاهم می افتد به جمعیت پرتعدادی که هر کدام از جایی آمده اند و بعضی ها کلاه روی سر گذاشته اند و بعضی ها آستین لباس هایشان را بالا زده اند و تصویر ما را از آن حالت کلیشه ای که یک کارگر دارد، به هم می زند. البته

مسیر شلوغ است، اما شلوغی قشنگی دارد. دست ها و گل ها به نشانه سلام و ارادت بالا می آید. خیلی ها با همان تن پوش محل خدمتشان آمده اند. تعدادشان زیاد است و توقف بین راه هم. حق هم دارند و خیلی ها می خواهند این روز خاطره انگیز را قاب بگیرند و می ایستند به سلفی گرفتن. مراسم در رواق بزرگ امام خمینی<sup>(ره)</sup> است، به روال همه برنامه ها. خادم به میزبانی از زائران در مناسبت های مختلف عادت دارند و مدام و پشت سرهم خوشامدگویی می کنند و تلاش دارند جمعیت انسجامش را از دست ندهد. با همان چوب پر ها راهنمایی می کنند که از کجا بروند.

مسعود صمدی پدر اشکان و آبناز است و همه تلاشی که می کند، برای حال خوب آن هاست. این ساده ترین و اصلی ترین حرفی است که می توان از زبان یک کارگر شنید. صمدی که لباس مرتبی به تن دارد و بوی عطرش شامه آدم را پر می کند، پاکبان یک محدوده برخوردار شهر است. دست هایش را بالای می آورد و می گوید: این دست ها زحمت کش اند و ائمه<sup>(ع)</sup> دست های زحمت کش را دوست داشته اند و دارند و من با همین دست ها برای همه هم وطن هایم دعا می کنم.

چین روی پیشانی اش می اندازد و ادامه می دهد: از وقتی خبر حادثه بندر شهیدرجایی را شنیده ایم، حال هیچ کدامان خوب نیست و امروز به نیابت از همه مردم خوب ایران آمده ایم و برایشان صبر و تحمل آرزو می کنیم. دوباره نگاهم به آدم های پرتعدادی می افتد که مشهدی اند و مژه عشق به امام<sup>(ع)</sup> را چشیده اند و محبت به امام رضا<sup>(ع)</sup> به دلشان نشسته است. می دانم حالا و قتش نیست ته و توی زندگی آدم را درآورد و مفضل با آن ها حرف زد، اما نمی شود این حس و حال را نادیده گرفت. رضا حسن زاده چند ساعتی وقتش را برای برنامه امروز خالی کرده است. حسن زاده چهره جوانی دارد و پیداست ابتدای کارش است. حدسمان درست است. یک سال و نیم است در فضای سبز بهشت رضا<sup>(ع)</sup> مشغول است و راضی از شغلی که دارد. می خندد و می گوید: به خاطر این حرفه، دختری را که دوستش داشتم، گرفتم و

خوش حالم؛ خیلی خوش حال. مثل حسن زاده، خیلی های دیگر لیخند به لب دارند. ورودی رواق شلوغ است، اما نظم دارد و همه یک به یک داخل می شوند. سبکته توکلی روی یکی از صندلی ها خستگی می گیرد. گل سرخ دست او چشمان را می گیرد. قبل از آنکه بگوید به خاطر همسر مرحومش به خانه آقا دعوت شده است، تعارفان به نشستن می کند و بعد هم خلاصه تعریف می کند: خدا رحمتش کند؛ توی کارگاه شیرینی پزی مشغول بود و بیمه شد و زندگی مان می چرخید. هیچ وقت لنگ کسی نماندیم و دستمان جلو غیر دراز نشد. چندبار پشت سرهم تکرار می کند: خدا رحمت کند همسر، حاج محمد حسین، هم عزت داشت و هم احترام و آبرو.

محمد حداد هم پس از سی سال کار در معدن زغال سنگ کرمان، ترجیح داده است دوران بازنشستگی اش را در مشهد سپری کند. همسایگی با آقا را دوست داشته است و حالا هم این رالطف آقا به خود و خانواده اش می داند. می گوید: امدام کنار همه این ها که رنج دیده اند و زحمت کشیده اند، به آقا لیبیک بگویم. بر و بچه های شرکت صنایع پودر شیر مشهد هم سی چهل نفری می شوند. سزشلوغی های زیادی دارند، اما حرف زیارت نیابتی که می شود، نمی توان راحت از کنارش گذشت؛ به خصوص این روزها که ایران داغ دار کارگران زحمتکش بندرعباس است. می گویند آمده ایم به نیابت همه آن ها زیارتی کنیم و برگردیم.

حال و هوایی تماشایی است، اما وقت پرسش و پاسخ و گفت وگو نیست و ترجیح می دهیم مثل آن ها برای لیبیک گفتن به آقا دست هایمان را بالا بیاوریم و از ته دل و صمیم قلب از آقا بخواهیم هوادار همه آدم های ایران زمین باشد؛ همان حرفی که همه این کارگرا از ته دل می گویند؛ مثل ناصر فرزانه فر، محمدرضا محمدزاده، مجید ساقی، محمد مهدوی و.... پیش از اینکه مسئولان حرف هایشان را شروع کنند، دست ها به دعا بلند می شود. ما هر چه داریم از صدقه سری امام رضا<sup>(ع)</sup> است؛ همان آقایی که بغل بزرگی دارد برای درآغوش کشیدن همه ما...

عکس: مصطفی گلشنی

یادداشت

## زائر و زیارتی که باید بی دغدغه باشد!

باید کاری کنیم که زائر هیچ دغدغه ای جز زیارت نداشته باشد. «این صرفا یک گزاره انشایی نیست که دوست داشتنی های ما را حرف به حرف، کلمه کند و جمله ای چنین بسازد. گزاره ای خبری هم باید باشد ناظر به برنامه هایی که باید در کاغذ بنشیند و بر زمین تحقق یابد. شئون شهری و حتی زیستی را دربربگیرد. این هم اقتضات پرشماری دارد که فراوان دست باید در کار باشد تا راه شود. باید از سخت افزار تا نرم افزار به خدمت درآیند، نگاه های نو

و برنامه های جدید استخدام شود تا شاهد تحقق نسبی این گزاره باشیم. به واقع در مشهد عزیز، همه چیز، به تاکید باید گفت، همه چیز باید در نسبت به حرم، تناسب پیدا کند. به ویژه سازه ها که صرفا در هیئت سازه و فیزیک نمی مانند بلکه می توانند کارکرد هویتی و حتی معنوی هم داشته باشند. خیابان ها هم در همین نسبت باید به حریم حرم برسند. معماری شهر، به ویژه مناطق پیرامونی حرم باید رنگ و طرحی هم خانواده با حرم داشته باشند. نباید حرم مطهر سان جزیره ای جداگانه در شهر شکل بگیرد که میان این سوی دیوار تا سوی دیگر آن یک دنیا فاصله باشد. اگر خیابان امام رضا<sup>(ع)</sup> را از نیم قرن پیش در خاطر داشته باشیم، یاد به یاری مان خواهد آمد و از هتل ها و سازه هایی خواهد گفت که در هر طبقه، چند متر عقب می نشستند تا از انتهای خیابان هم حرم در نگاه مردم قاب شود. چنین بود که از منتهی الیه آن خیابان، گنبد و بارگاه چنان به تمامه در دیده قاب می شد که دل خود را در حرم احساس می کرد و دست- ناخود آگاه- بر سینه می نشست تالب، به خواندن «السلام علیک یا اباالحسن، یا علی این موسی الرضا<sup>(ع)</sup>...» تبرک یابد. بازار هم خود را با هارمونی زیارت نظم می داد تا سوغاتی که در ساک زائر قرار می گرفت در تعریف همین نسبت باشد. اینکه از فعل گذشته استفاده می کنیم برای توجه دادن به این نگاه محترم است و الا همه فعل ها را باید به زمان اکنون برگرداند و حتی زمان آینده چه همواره باید مشهد، شهر بدون دغدغه برای زیارت باشد. رفع انواع دغدغه ها هم باید وجهه همت همگان باشد. نه اینکه آن قدر دغدغه در انواع ترافیکی، ایمنی، بهداشتی، درمانی، نانمی و... داشته باشیم که زائر را از همه سو احاطه کند. فضا برای خود شهروندان مشهدی هم باید چنین باشد. زیستن در شهر امام رضا<sup>(ع)</sup>، باید یک امتیاز ویژه به حساب آید. امتیازی که علاوه بر معنویت در عرصه زندگی هم تمایزهای اشکاری با دیگر شهرها داشته باشد. اما دریا که اکنون چنین نیست، گاهی عکس است ماجرا. به ویژه در موضوع حیاتی بودجه چنین است. مشهد تنها به فراخور وسعت و جمعیت خود بودجه نمی گیرد که حساب ده ها میلیون زائری که با پر دیده ما می گذارند هم از جیب مشهد پرداخت می شود. همین است که سرانه مشهدی ها را در حوزه های مختلف، با ما و اگر رویه رو می کند. این مسئله ای است که حتما باید مدنظر باشد و البته باز هم در این زمینه خواهیم نوشت.

روی خط جامعه

## تخصیص تنها یک سوم اعتبارات مصوب بیمه سلامت

ایست! مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران با بیان اینکه اکنون یک سوم از اعتبارات و منابع مصوب قانونی به بیمه سلامت اختصاص پیدا می کند، گفت: بنابراین اگر گاهی تأخیری در پرداخت طلب مؤسسات و مراکز درمانی ایجاد می شود، تنها به این دلیل است که اعتبارات طبق قانون به بیمه ها اختصاص پیدا نمی کند.

محمد مهدی ناصحی با اشاره به اینکه بیمه های پایه در سراسر دنیا توجه ویژه ای به فعالیت های بدنی و ورزش در پیشگیری از ابتلا به بیماری ها دارند، گفت: مسائل مهمی در حوزه پیشگیری وجود دارد که باید برای هر بخشی اقدامات مناسبی انجام شود. اکنون میانگین مصرف دارو در کشور ۴۰۲ بوده که دو برابر بیشتر از میانگین مصرف در دنیا است؛ بدون شک اگر پیشگیری در اولویت قرار بگیرد و منابع حوزه سلامت به سمت و سوی اثربخشی بیشتر حرکت کند، خدمات دهی به بیمه شدگان با کیفیت تر خواهد شد.

## لایحه حمایت از زنان به دلیل تغییرات ماهوی در مجلس، مسترد می شود

ایرنا معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده از استرداد لایحه حمایت از زنان به دلیل تغییرات زیاد (هویتی و ماهوی) آن در مجلس شورای اسلامی خبر داد. زهرا بهروز خاظر نشان کرد: اتفاقاتی که در مجلس برای این لایحه افتاده آن را به متنی جدید تغییر داده است که کلا با لایحه ارسالی دولت متفاوت است. وی با بیان اینکه لایحه تغییرات ماهوی جدی پیدا کرده است، اظهار کرد: تغییرات از نام لایحه شروع شد که البته مسئله ما تغییر نام نیست، بلکه مهم این است که بتوانیم فعل خشونت، سوء رفتار و انواع ناهنجاری هایی را که به خصوص در محیط خانواده ممکن است وجود داشته باشد و بر زنان و دختران تأثیر بگذارد و موجب کاهش امنیت خانواده شود به حداقل برسانیم.

عدد خبر

محصول

تسنیم در جشنواره پیش گامان اینوتکس از پنج محصول برتر فناوریانه کشور رونمایی شد. این محصولات شامل دستگاه اتوماتیک پیوند درختان، رزین کروماتوگرافی خالص سازی پلاسمای خون، سیستم کنترل پایش وضعیت ماشین آلات دوار منطبق با BENTLYNEVADA ۳۵۰۰، باتری لیتیم یون پیشرفته و پلتفرم دولقی دیجیتال هستند.

معلم

مهر رئیس هیئت امنای ستاد مردمی دیه کشور گفت: اکنون ۸۵ معلم مقاطع مختلف تحصیلی بابت ناتوانی در تأمین دیون خصوصی در حبس به سر می برند. سیداسد... جولایی با بیان آخرین آمار زندانیان جرائم غیرعمد در کشور گفت: با وجود آزادی ۱۳ هزار و ۸۰۴ زندانی بد حکار مالی و محکوم به پرداخت دیات ناشی از جرائم غیرعمد در سال گذشته که بخش درخورتوجهی از آن ها در روزهای منتهی به نوروز تحقق یافت، هم اکنون ۱۵ هزار محبوس غیربزهکار در ندامتگاه های ایران تحمل حبس می کنند که در این جمع ۸۵ نفر معلم هستند. وی با اشاره به اینکه از جمعیت آموزگار زندانی دوازده نفر خانم هستند، افزود: اگر چه اولویت ستاد دیه در آزادی محکومان غیرعمد بیشتر معطوف به مددجویان زن، محبوسان ازکار افتاده، معلولان، مردان بالای ۶۵ سال، خانواده شهدا، جانبازان، آزادگان و زندگان است، به فراخور مناسبت های تقویمی این مجموعه حمایتی خود را در قبال اقشار مختلف جامعه متعهد می داند.